

عاشورا ، عاشورا یا مرگ یا پیروزی

امیر طیرانی

چهل سال پیش در چنین روزهایی ماکه در پی دستیابی به عدالت ، آزادی و رهایی از ستم زمانه یک سال را در خیابان ها گذرانده بودیم با فرا رسیدن تاسوعا و عاشورا کار را تمام شده می دانستیم . سرخوشانه در خیابان ها فریاد می کشیدیم: عاشورا یا مرگ پیروزی .

و تقدیر چنان بود که کوتاه مدتی بعد از آن پیروزی را در آغوش کشیدیم . اما شاید اگر آن روز حال و روز امروز مان را می دانستیم با حرارت کمتری فریاد پیروزی سر می دادیم.

اما تا می گوئیم امروز ، تمام نگاه ها به سمت حاکمیت و عملکرد آن بر می گردد که عملکردش آن چنان درخشان است که ظاهرا درباره آن نیاز به گفتن و نوشتن نیست . از شاخص های مادی تا شاخص های معنوی، از آمار اعتیاد و فحشا و فقر و فساد و طلاق و ناکارآمدی تا تورم و گرانی و بیکاری ، از بی عدالتی و رانت و تبعیض و ... همه و همه کارنامه ای درخشان را پیش رو می کشاید .

اما چرا تنها نقد عملکرد حاکمیت و اوضاع سیاسی ؟ چرا فقط حاکمان ؟ چرا به این نمی اندیشیم که اگر اوضاع چنین شده است ما نیز چنین شده ایم ؟ چرا به عملکرد خودمان و تجدید نظرهای خودمان در باورها ، در اصول ، در معیارها و ارزش هایمان فکر نمی کنیم ؟ چرا با خود نمی گوئیم که دور انداختن دین و نگاه داشتن تنها پوسته ای از آن ، چرا ترک شیوه و سلوک حسین و فاطمه و زینب و علی (ع) در عمل را فراموش کرده ایم ؟

مگر ما نبودیم که خدا و رسولش و همه فرشتگان را در زیارت عاشورا به شهادت فرا می خواندیم که :
اَنْیَیْکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِایْیَکُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دینی وَخَوَاتِمِیْ عملی وَقَلْبِی لِقَلْبِکُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِی لِأَمْرِکُمْ مُتَبِعٌ

آری در طول این چهل سال که حاکمیت همه توانایی های خود را در هلاکت "حرث و نسل" نشان و ایران را به سوی "دارالبوار" کشاند ما نیز تنها نظاره گر این نابودی و رسیدن به دیار نابودی بودیم . تنها و تنها به نوشتن و سخنرانی کردن و مصاحبه دلخوش کردیم و عمل اجتماعی مان هم حضور در پای صندوق های رای و دیگر هیچ ؟ ما که می خواستیم الگویی نو و بدیع به جهان عرضه کنیم به تدریج و آرام آرام ابتدا از ادعاهای اولیه به دلیل ناتوانی دست شستیم و به دنبال به دور افکندن آرمان ها ، به تدریج اصول و مبانی و الگوهای خود را نیز تغییر دادیم . دیگر نه حسینی باقی ماند و نه زینبی و نه علی و نه فاطمه ای . و نه تنها اینها که به تدریج آیات وحی هم محصول خواب و رویا عنوان شد .

و امروز نه تنها نسل حاضر و کسانی که مبارزه علیه ستم و بیداد را درک نکرده اند بلکه ما و نسل ما نیز حیران و سرگردان در این وادی بی پایان مانده ایم . به تدریج همه چیز به زیر سوال می رود و ما تنها تماشاگری مبهور در این میانه به تدریج این تغییر و تحول را صحنه می نهیم . و این تجدید نظر نه فقط در عرصه باورهای دینی بلکه در عرصه ملی و میهنی نیز صورت گرفت . تا هم اعتراض و انتقادی می شود صحبت از آن می کنند که دنیا عوض شده است . نمی دانم اگر دنیا عوض شده و می شود چرا اروپایی

ها و آمریکایی ها دست از اعتقادات و اصول و مبانی خود نمی کشند همان هایی که برای حفظ ارزش های خود اعم از درست و غلط همچون رویای برتری آمریکایی و محافظت از اروپا در مقابل مهاجران آفریقایی و مسلمان به ترامپ و یا نژادپرست ها رای می دهند و فقط ما جهان سومی ها هستیم که دائما مجبور به ترک باورهایمان هستیم .

آری ما هایی که چون جرئت نمی کنیم یا خجالت می کشیم علی و حسین را نفی کنیم ارزشها و مبانی و اصولی را که آنها جان بر سر آن باختند نفی می کنیم و سرخوش به زندگی با ...؟! ادامه می دهیم .